

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

میرویس ودان محمودی
۱۹ نومبر ۲۰۱۳

یادی از ببر انقلاب و فرزند شایسته خلق افغان،

ابر مرد زنده یاد داکتر فیض احمد!

داکتر فیض احمد (۱۹۴۶-۱۹۸۶) بنیانگذار سازمان رهائی افغانستان!

داکتر فیض احمد در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در کندهار به دنیا آمد و پدرش وکیل شورا و از افراد بانفوذ کندهار بود. «فیض احمد» در دورانی که در پوهنخی طب پوهنتون کابل درس می خواند به یکی از چهره های شناخته شده «جریان دمکراسی نوین افغانستان- شعله جاوید» مبدل گشت که در ضدیت با «حزب دمکراتیک خلق» مدافع رویزیونیسم شوروی و جریانات «اخوان المسلمین»، جریان عمده شمرده می شد و طرفداران زیادی در سراسر کشور داشت. به تعقیب انشعابات و بالاخره فروپاشی «جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید» داکتر فیض نیز به همراهی چند تن از رهبران دیگر این جریان «گروه انقلابی خلق های افغانستان» را بنیاد نهاد که بعد به «سازمان رهائی افغانستان» تغییر نام نمود.

داکتر فیض احمد بعد از تجاوز شوروی به افغانستان، کتاب "مشعل رهائی" را نوشت که در آن خط مشی سازمان و ستراتیژی آن را تنظیم نموده راه مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر را ترسیم نمود، که درعین حال با احزاب بنیادگرای ساخته شده توسط پاکستان مثل جمعیت اسلامی، حزب اسلامی و اتحاد اسلامی نیز درگیر بود. این اثر نقش مهمی در شیوه مبارزه و خط و مشی این سازمان داشته است. حدود ده سال بعد از انتشار این اثر خود داکتر فیض احمد به اشتباهاتی در آن انگشت گذاشت که قبلاً انتقادات زیادی در مورد شان وجود داشت.

فیض از یک شخصیت منضبط و عالی برخوردار بود و اگر اشتباهی از وی سر می زد با متانت یک انقلابی در جهت تصحیح آن می بر آمد و از خودش انتقاد می کرد. این خصوصیات ارزنده را دیگر رهبران «جریان دمکراسی نوین-شعله جاوید» و «سازمان جوانان مترقی» نداشت و اما فیض کبیر این سجایای انقلابی را داشت و همین خصوصیت انقلابی اش وی را از دیگران متمایز می ساخت.

سازمان رهائی در تحت رهبری خردمندانه داکتر فیض راه جنگ های چریکی و مسلحانه را تا بیرون شدن روسها ادامه داد و دهها کادر و رهبر خود را به خاطر رهائی وطن از دست داد که یا به دست روسها و پادو های رویزیونیستی اش خلق و پرچم کشته شدند و یا هم به وسیله بنیادگرایان اسلامی به همکاری و همدستی روس ها در داخل و یا همکاری اخوان لعین با استخبارات پاکستان جان باختند.

خود داکتر فیض احمد به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۶ در پشاور پاکستان به وسیله حزب اسلامی گلبدین حکمتیار جلاد و سازمان جاسوسی پاکستان آی اس آی اختطاف و کشته شد. در این جریان ۹ تن دیگر از کادرها و رهبران سازمان رهائی افغانستان نیز کشته شدند؛ یاد و خاطرات انقلابی شان گرامی باد!

فیض آرزو داشت تا بر زخمها و دردها و رنج های این ملت که در گذر تاریخ زیر تازیانه جور و جفاء بوده اند مرهم بگذارد. فیض آرزو داشت تا کشور بلا دیده اش را از این فلاکت و پسمانی برهاند و به جاده تعالی و ترقی رهنمون سازد و اما سرنوشت این مجال را برایش نداد!

فیض بزرگ نمرده است بل جسماً از نزد ما دور شده و رخت سفر بسته است. اندیشه و ایدئولوژی احمد گرامی با ماست و وظیفه تمامی عناصر انقلابی است که درفش سرخ ابر مرد بی بدیل را بر دوش کشند.

ای اسطوره دوران ، رهبر آزادگان، فیض قهرمان!

نام غرور آفرین تان، راه و خط سرخ تان جاودانه است. رهروانت راه سرخ شما را با دل و جان ادامه داده و درفش سرخی را که به دست شان سپرده اید تا فردای پیروزی به دوش می کشند.

درود بر فیض قهرمان و رفقای انقلابی اش که یکجا جان باختند!